

# انسان کامل؛ رشد هماهنگ اخلاق و معنویت

انسان معنوی از دیدگاه شهید مطهری رحمته الله علیه

محسن مومنی

با شاگردانش پرورش یافت. برای یافتن حقیقت معنویت در اسلام، باید مفهوم انسان کامل از دیدگاه اسلام بیان شود. از این منظر دیدگاه اسلام درباره‌ی انسان کامل، انسانی است که فضایل معنوی در او به حد کمال رسیده باشد و انسان کامل صرفاً در برابر انسانی که از نظر جسمی دچار ضعف یا نقص است معنا نمی‌شود. شهید مطهری با استناد به آیه‌ی «فی قلوبهم مرض، بقره/۱۰» بیماری‌هایی را که در قلب و جان انسان است خطرناک‌تر از بیماری‌های جسمی می‌داند. از نظر ایشان بین انسان سالم با انسان کامل تفاوت است. انسان سالم کسی است که امراض جسمی ندارد و بدنش در صحت و سلامت است؛ اما منظور از انسان کامل انسانی است که به کمال مطلوب رسیده است؛ انسانی است که ابعاد مختلف معنوی وجودش را تا حد ممکن به کمال و شکوفایی رسانده و استعدادهای خود را راکد نگه نداشته است؛ انسان کامل انسانی است که خود را به جریان انداخته و در ابعاد مختلف روحی به سرحد شکوفایی و کمال رسیده است؛ از این رو خداوند در قرآن می‌فرماید: «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمومنین، اسراء/۸۲»؛ ما قرآن را برای شفا و رحمت برای مومنین فرستادیم؛ به راستی قرآن شفای کدام امراض آدمیست؟ امراض مادی یا امراض معنوی؟ آن چه مسلم است قرآن به عنوان کتاب هدایت برای بشریت، شفا بخش امراض روحی و باطنی انسان است. شهید مطهری در ادامه‌ی مباحث خود، برخی از بیماری‌های روحی را که موجب اختلال در معنویت می‌شوند نام برده و با ذکر مثال‌هایی آن‌ها را تشریح می‌کند. بیماری‌هایی؛ مانند حسد، کبر، غیبت، تبختر و...

مقدمه

با تبدیل جوامع امروزی به جوامعی فن‌آور و ماشینی و با تغییر رویکردهای بشر از ساخت قدسی انسان به ساختی زمینی و مادی، میل بشریت به سمت اخلاق و معنویت روز به روز بیشتر و بیشتر شده است. انسان امروز خلأ معنویت و دوری از منبع فیاض هستی را بیش از هر دوره‌ای درک می‌کند و فطرت خود را تشنه‌ی آب حیات بخش معنویت می‌بیند؛ لذا رفتن به سمت معنویت و امور فرامادی در میان انسان‌ها بیش از پیش دیده می‌شود؛ اما این که کدام مسیر را در رسیدن به این هدف انتخاب کند و در انتهای این مسیر سرنوشتش چه خواهد شد و به کجا خواهد رسید نکته‌ی بسیار مهمی است که اگر از ابتدا آن را مد نظر قرار ندهد عاقبت، معلوم نیست سر از کدام مسیر، فرقه و گروهی در خواهد آورد و عاقبتش چه خواهد شد. شهید بزرگوار، استاد مرتضی مطهری، این متفکر سترگ و ژرفاندیش و اسلام‌شناس بزرگ، با نگاهی به انسان معنوی و ملزومات دست‌یابی به معنویت، این مسیر را هموار کرده و مقصد را به ما نشان داده است. هر چند ایشان این موضوع را در مجموعه‌ی آثار و کتب خویش و در لابلای مباحث متعدد، مورد توجه قرار داده است؛ اما در این بین، کتاب «انسان کامل» کتابی است روان که از منظری خاص به این موضوع پرداخته و آن را بررسی کرده است و خلاصه‌ای از آن مطالب در ادامه خواهد آمد.

انسان کامل یا انسان سالم؟

از دیدگاه شهید مطهری مفهوم و واژه‌ی «انسان کامل» در ادبیات عرفان اسلامی، اولین بار توسط محی‌الدین ابن عربی مطرح شد و پس از ایشان



برای یافتن حقیقت معنویت در اسلام، باید مفهوم انسان کامل از دیدگاه اسلام بیان شود. از این منظر دیدگاه اسلام درباره‌ی انسان کامل، انسانی است که فضایل معنوی در او به حد کمال رسیده باشد و انسان کامل صرفاً در برابر انسانی که از نظر جسمی دچار ضعف یا نقص است معنا نمی‌شود.

«کل شیء هالک الا وجهه، قصص ۸۷» که قرآن می‌فرماید، دلالت بر جاودانگی ذات خدا دارد. به عقیده‌ی ایشان حتی کسانی که منکر خدا نیز هستند، عاشق خدایند؛ چرا که در عمق فطرت خویش، کمال مطلق طلبند؛ ولی راه را گم کرده‌اند. انبیا آمدند تا بشر را از گمراهی نجات دهند و به تعبیر قرآن «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم، اعراف ۱۵۷» پیامبران آمدند تا غل و زنجیر جهالت را از قلب و دل آدمی باز کنند و او را به رهایی و رستگاری برسانند؛ چنان که امیرالمومنین علی علیه السلام نیز در خطبه‌ی اول نهج البلاغه فرمودند: «و یشیروا لهم دفتان العقول» انبیا آمدند تا گنج‌های نهفته در وجود بشر را استخراج کنند و حقیقت وجود انسان را به او نشان دهند که ای انسان تو بسیار فراتر از خور و خواب و خشم و شهوت هستی، ابدیت در پیش داری و می‌توانی در این مسیر به مقام خلیفه‌اللهی برسی. به تعبیر قرآن کریم قلب و دل و جان بشر با یک چیز آرام می‌گیرد و آن تنها و تنها ذکر و یاد خداست: «الا بذکر الله تطمئن القلوب، رعد ۲۸» و این منتهای معنویت است که در درجات بالاتر به تقرب و لقاءالله خواهد انجامید.

#### جمع بندی

با توجه به مباحثی که مطرح شد می‌توان چنین نتیجه گرفت انسانی که به کمال رسیده و استعدادهای فطری خود را به شکوفایی رسانده است، برترین مرتبه‌ی انسانی قرار دارد و به درجه‌ی انسان کامل رسیده است. انسان کامل انسانی معنوی و سرشار از معنویت است؛ چرا که اگر غیر از این باشد به معنویت حقیقی نرسیده است.

#### رشد کاریکاتوری

استاد شهید مرتضی مطهری در ادامه به نکته‌ی بسیار مهمی اشاره می‌کند که درخور نظر است. ایشان کمال نهایی انسان را در تعادل و توازن استعدادهای او می‌داند. مقصود از هماهنگی و توازن در این جا این است که در عین این که همه استعدادهای وجودی انسان رشد می‌کند، رشدشان هماهنگ باشد و رشد یکی بیش از دیگری نباشد؛ به عنوان مثال اگر کودکی که در حال رشد و نمو است، بعضی از اعضای بدنش بیش از سایر اعضا رشد یابد در نهایت چه خواهد شد؟ پس از مدتی با کودکی مواجه خواهیم شد که قسمتی از بدنش رشدی نکرده و قسمتی دیگر بیش از حد رشد کرده است، این عدم هماهنگی در رشد اعضای بدن را در ابعاد مختلف باطنی انسان نیز می‌توان مثال زد. اگر انسانی اهل عبادت است؛ اما در تامین معاش برای خانواده کم کاری می‌کند یا اگر انسانی در مقوله‌ای؛ مانند عشق یا آزادی افراط به خرج دهد و در مقوله‌ای دیگر تفریط کند، همه‌ی این‌ها در نهایت منجر به «رشد کاریکاتوری» روح می‌شود؛ یعنی قسمتی از فضایل انسانی بسیار پررنگ و قسمتی دیگر کمرنگ و بی‌رغم می‌شود؛ از این رو انسان کامل انسانی است که تمام قوای روحی و باطنی او به‌صورت هماهنگ رشد کرده و به حد تکامل رسیده است.

#### کمال مطلق

استاد مطهری معتقد است که انسان، عاشق کمال مطلق است، انسان نمی‌تواند عاشق چیزی شود که در نهایت فانی خواهد شد؛ بنابراین انسان عاشق ذات خداست؛ چرا که تنها ذات خداست که فناپذیر است.

